

مطالعه‌ی سفال‌های عصر مفرغ فارس در موزه آستان مقدس

حضرت احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع)^۱

بهروز موسی زاده^۲

چکیده

حوزه‌ی جغرافیای فرهنگی فارس به دلیل بهره‌مندی از شرایط مناسب زیست‌محیطی از دوران نوسنگی تا دوران‌های تاریخی همیشه مورد توجه جوامع انسانی بوده است. مجموعه‌ی فرهنگی عصر مفرغ در حوزه فارس به طور کلی شامل سه دوره‌ی فرهنگی بانس، کفتری و قلعه - شقا می‌شود. در برآیند پژوهش حاضر که با محوریت شناسایی و تعیین هویت مجموعه سفال‌های موجود مربوط به عصر مفرغ حوزه‌ی فارس، در گنجینه موزه‌ی آستان مقدس حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (ع) شکل گرفته است از مجموع سفالینه‌های موجود ۵۱ مورد مربوط به عصر مفرغ فارس شناسایی گردید که در این مجموعه، ۴۳ عدد خمره در فرم‌های متنوع، ۷ عدد قدح و یک عدد آبریز دسته‌بندی گردید. بر اساس نتایج حاصل از فرآیند قیاس تطبیقی با نمونه‌های معرفی شده، ۱۱ نمونه متعلق به فرهنگ بانس، ۳۷ نمونه مربوط به فرهنگ کفتری و ۳ نمونه متعلق به فرهنگ پایانی عصر مفرغ در حوزه‌ی فارس موسوم به فرهنگ قلعه-شقا تشخیص داده شد. ریشه و منشأ فرهنگ‌های عصر مفرغ در حوزه‌ی جغرافیایی فارس بومی و محلی بوده است. بنابراین تغییرات ساختاری در دوره گذار از دوره‌های مختلف فرهنگی در این محدوده مشاهده نمی‌شود، این در حالی است که این گونه‌های فرهنگی در روند پیدایش و تکامل خویش تا جایگزینی با فرهنگی نو، کمتر از شاخصه‌های فرهنگی مناطق هم‌جوار بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: موزه آستان مقدس حضرت احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع)، سفال‌های پیش‌ازتاریخ، عصر مفرغ، دوره کفتری

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده با همین عنوان می‌باشد.

۲- کارشناس ارشد باستان‌شناسی گرایش پیش‌ازتاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

پست الکترونیکی: behrooz.moosazadeh@gmail.com

مقدمه

سفال به جهت تولید فراوان و مداوم همیشه با دگرگونی‌ها و نوآوری‌ها در شکل و نقش سفال همراه بوده است، دگرگونی‌هایی که بخشی از آن بر اثر تطور و رشد درونی فرهنگ در طول زمان به وجود می‌آید و بخش دیگر به علت پیوندهای فرهنگی و اقتصادی با جوامع دور و نزدیک پدیدار می‌شود. از سوی دیگر، سفال، به دلایل گوناگون، از جمله تولیدی و صادراتی بودن و کاربرد آن در حمل‌ونقل کالاهای تجاری بهترین گونه فرهنگی در شناخت اقوام و جوامع به شمار می‌آید و برای مطالعه ارتباط میان واحدهای مختلف یک فرهنگ منطقه‌ای از یک‌سو و فرهنگ‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ اهمیتی که مشابه آن برای هیچ کالای فرهنگی دیگر در باستان‌شناسی متصور نیست. بنابراین سفال را باید از جنبه‌های گوناگون و با دیدگاه‌های متفاوت مورد مطالعه قرار داد. در همین زمینه عصر مفرغ، به عنوان یکی از دوره‌های مهم فرهنگی بعد از فرهنگ‌های دوران مس-سنگ، «از نظر تاریخی به طور نسبی اوایل هزاره سوم و اواسط هزاره دوم ق.م یعنی حدود ۱۵۰۰ سال را در برمی‌گیرد» دوره برنز فراتر از پدیدار شدن مرحله نوین در فناوری است، دستاورد اقتصادی استفاده قاعده‌مند از مس، در این زمان فراتر از برنز در فناوری، راه‌اندازی سازمان تبادلات با مناطق دوردست را موجب شد و جوامع انسانی را به تبادلات خارجی برای نیازهای ضروری‌شان وابسته نمود. طی استفاده قاعده‌مند از مس و برنز بود که جمعیت‌هایی با تخصص و به‌صورت تمام‌وقت، کسانی که خودشان غذایشان را تولید نمی‌کردند و بلکه برای معاش وابسته به دیگران بودند پدیدار شدند (پاترسون و آرسر^۱، ۲۰۰۴: ۱۷۷-۱۷۹). ظهور پیچیدگی اجتماعی و نظام‌های سلسله مراتبی، تخصص، تغییر در ساختارهای قدرت و حکومت، ظهور کدهای معنادار مانند زبان و خط و پیدایش و گسترش فرهنگ و تمدن ایلام از دیگر ویژگی‌های است که می‌توان برای این دوره در نظر گرفت. حوزه آبخیز کر و سیوند که حوزه آبخیز دریاچه‌های طشک، کر نامیده می‌شود، یکی از مهم‌ترین مناطق فارس در بررسی و مطالعه عصر مفرغ است که در شمال استان فارس، و در دامنه‌ی شرقی و بخش جنوبی کوه‌های زاگرس واقع شده، مساحت این حوزه آبریز ۳۱۲۲۱ کیلومتر مربع است که در جنوب شرقی آن دریاچه‌های طشک و بختگان قرار گرفته است.

سرشاخه اصلی رود کر از بلندی‌های پلنگی، سیاه و رنج نشأت گرفته و با پیوستن به دیگر شاخه‌ها از جمله سفید، اوجان، دزکرد، شور و شیرین، مارگان، تنگ شول و تنگ بستانک در منطقه حسین‌آباد به سد درودزن می‌ریزد. این رود بعد از سد در منطقه رامجرد جریان یافته و پس از پیوستن رود مابین به طرف شهر مرودشت پیش می‌رود. در محل پل خان، در مجاورت شهر مرودشت با رود سیوند یکی می‌شود. بعد از الحاق به سوی بند امیر جریان یافته، و با گذشتن از آن و بندهای فیض‌آباد، تیلکان، حسن‌آباد، جهان‌آباد و سیاه‌زار که همه آن‌ها جهت آبیگری کشاورزی بنا شده‌اند، در نهایت بعد از کربال به دریاچه بختگان می‌ریزد.

سفال‌های دوره بانس که همزمان با شروع عصر مفرغ است، ابتدا توسط سامنر در سال ۱۹۷۲ طی بررسی وی در حوزه رود کر یافت شد. بعد از آن این یافته‌ها به شکل فشرده‌ای مورد بررسی و آزمایش قرار گرفت (سامنر^۱، ۱۹۷۳: ۳۰۴). دو گونه سفال مشخص در این دوره شناخته شده است: یک‌گونه از آن‌ها زمخت با درجه پخت پایین است که به شکل ظروف لب برگشته و سینی‌های ساده صاف ته دار و هاون‌های دسته‌دار می‌باشد. گونه دوم از آن‌ها با درجه حرارت بیشتر و در اشکال مختلف مزین به طرح‌های هندسی است (نیکولاس^۲، ۱۹۹۰: ۱). حدود ۳۰ الی ۴۰ سکونتگاه متعلق به دوره بانس در حوزه رودخانه کر شناسایی شده است، اما در مورد گستره این سکونتگاه‌ها در خارج از حوزه فارس شناسایی چندانی صورت نگرفته است. از مکان‌های احتمالی در خارج از این حوزه که توسط اشتاین گزارش شده، تپه مانگ می‌باشد که میروشوجی نیز در همین منطقه در فسا سفال‌های مشابهی را یافته است (آستین^۳، ۱۹۴۰: ۲۰۸-۲۱۰). مشابه چنین سفال‌ها از نظر سبک و شکل در کوه‌های بختیاری (زاگارل^۴، ۱۹۸۲: ۱۴۵-۱۵۶)، تل ابلیس (فریر^۵، ۱۹۸۰: ۴؛ سامنز، ۱۹۸۰؛ کالدول^۶، ۱۹۶۷) و تپه یحیی نیز یافت شده است که تا حدودی قابل مقایسه با سفال‌های دوره بانس در تپه ملیان می‌باشد. کوه کورونی و تل قریب دو محوطه مجموعه‌ای مهم در دوره بانس در حوزه‌ی رود کر هستند. مجموعه‌ی

- 1 - Sumner
- 2 - Nicholas
- 3 - Stein
- 4 - Zagarell
- 5 - Ferrier
- 6 - Caldwell

گذشته شامل ۱۶ محوطه‌ی غیر تپه‌ای یا تعدادی محوطه که روی سطح جنوبی صخره‌های سنگریزه‌ای کوه کورونی واقع شده است. دو محوطه‌ی بزرگ این مجموعه مساحتی بین ۲/۵ تا ۴/۵ هکتار دارند و بقیه حدود یک هکتار یا کمتر. این قسمت از دشت امروزه مورد استفاده‌ی عشایر کوچ رو قرار می‌گیرد. حضور سنگچین‌های سنگی مربوط به زمانی نامعلوم و سفال‌های بانس به عنوان نمونه، در برخی از این سایت‌ها، امکان این که منطقه در دوره‌ی بانس توسط عشایر کوچ رو نیز مورد استفاده قرار گرفته، افزایش می‌دهد (سامنز، ۱۹۸۰ و آلدن^۱، ۱۹۷۹).

با ظهور عصر مفرغ در حوزه رود کر در فارس سبک‌های تولید سفال دارای تحولات گسترده‌ای گردید از یک طرف به علت رشد جمعیت و ایجاد مراکز شهری بزرگ سفالگری پیش از این دوره که تنها عرصه هنرنمایی‌های بشر بوده جایگاه خود را از دست می‌دهد. استفاده گسترده از فلز و کاربردی شدن سفال باعث می‌شود سفالگران تولید سفال منقوش را کاهش دهند. اما در حوزه رود کر در دوره بانس سفال‌گری وارد مرحله تازه‌ای می‌شود و آن تخصصی شدن ساخت سفال است. محوطه‌های تخصصی تل کوره و تل قریب واقع در حوزه رود کر در دوره بانس هریک به تولید سفال متفاوت که دارای کارکردهای مختلفی بود پرداختند. تعداد ۴۴ عدد از ظروف منقوش این دوره در موزه حضرت احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) شهر شیراز نگهداری می‌شود که از لحاظ سبک و مدل نقوش دارای نقش و طرح‌های منحصر به فردی هستند که در روشن شدن زوایای تاریک عصر مفرغ فارس و تکنیک نقش اندازی و پرداخت سفال در این دوره اطلاعات ارزشمندی در اختیار می‌گذارند. در این مقاله ما به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که نقوش به کار رفته، سبک و تکنیک ساخت سفال‌های عصر مفرغ موزه آستان مقدس حضرت احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) چگونه بوده و جزء کدام گروه از سفالینه‌های عصر مفرغ فارس هستند؟

روش تحقیق

این پژوهش با بررسی فرم و نقوش سفال‌های موجود، تاریخ‌گذاری و شناخت موتیف‌های استفاده شده در سفال‌ها تقسیم‌بندی سبک‌های مختلف سفالی در دوره مفرغ فارس انجام شده

است. اولین قدم در این پژوهش طبقه‌بندی سفال‌ها بود قدم دوم طراحی فنی سفالینه‌ها و ظروف موجود بوده مرحله سوم کار تجزیه و تحلیل نقوش و مقایسه نقوش با سفال‌های به دست آمده از حفاری‌های ملیان در حوزه رود کر بوده، مرحله چهارم کار تاریخ‌گذاری سفالینه‌ها بر اساس مطالعات مقایسه‌ای بوده است.

۱- توصیف، تبیین و تشریح متغیرها

۱-۲- توصیف نمونه‌های مورد مطالعه

در این بخش به‌منظور اشراف دقیق بر ویژگی‌های شاخص و قابل قیاس نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش، با طرح و تعیین متغیرهایی قابل برداشت از نمونه‌ها، به توصیف دقیق هر یک از سفال‌ها در کنار تصویر و طرح فنی آنان پرداخته می‌شود. به‌این منظور پس از تعریف متغیرها و احتمالات مطروحه در توصیف نمونه‌ها در ابتدای بخش، به توصیف دقیق و گام‌به‌گام هر یک اقدام شده است.

۱-۲-۱- تعیین، توصیف و تشریح متغیرها

شماره‌ی شی: این بخش بیان‌گر شناسه‌ی عددی نمونه‌ی مورد مطالعه است که از ابتدای فرآیند پژوهش به هر نمونه اختصاص داده شده است.

فرم شی: این بخش عنوان نسبت داده شده به فرم نمونه‌ی مورد مطالعه (که می‌تواند بیانگر کاربرد آن نیز باشد) را بیان می‌نماید. به علت عدم وجود تعریفی مشخص از فرم ظروف سفالین در باستان‌شناسی و تفاوت در برداشت افراد از متغیر مذکور، این بخش فاقد قطعیت توصیفی است. فرم‌های مورد اشاره در این بخش عبارت‌اند از:

خمره: به ظروفی اطلاق می‌گردد که قطر بدنه در آن به وضوح بزرگ‌تر از کف و دهانه‌ی ظرف است. از این فرم برای نگهداری و ذخیره انواع مواد (جامد و مایع) استفاده می‌شود.

ساغر: این نوع ظروف که بیشتر برای نگهداری و انتقال مایعات مورد استفاده قرار می‌گیرد دهانه‌ای گشاده‌تر و عریض‌تر از کف داشته و معمولاً دارای ابعادی کوچک است که امکان

استعمال آن را با یک دست فراهم می‌نماید. در این فرم قطر بدنه ممکن است برابر یا اندکی بیشتر از قطر دهانه باشد.

کاسه: این فرم خاص دارای دهانه‌ای گشاده‌تر از کف و بدنه است و ارتفاع ظرف از قطر دهانه‌ی آن به مراتب کمتر خواهد بود.

تکنیک ساخت: این متغیر دربردارنده‌ی تکنیک به کار رفته در ساخت نمونه‌ی مورد مطالعه است. بر اساس این متغیر نمونه‌های سفالین را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:

الف: دست‌ساز: در این دست سفالینه‌ها، عدم استفاده از چرخ سفال‌گری در ساخت ظروف سفالی موجب بروز ویژگی‌های بصری خاصی می‌گردد که از آن جمله می‌توان به عدم تقارن، نامنظم و متقاطع بودن خطوط دست سفالگر، یکسان نبودن ضخامت ظرف در بخش‌های مختلف از مقاطع افقی ظرف و ایجاد فرم‌های ویژه‌ی غیر مدور اشاره نمود.

ب: چرخ‌ساز: با اختراع چرخ سفال‌گری از حدود هزاره ششم ق. م. تغییرات کیفی ویژه‌ای در تولید سفال بروز می‌نماید که نمود بصری آن را می‌توان در ویژگی‌های نظیر تقارن و تدور ظروف، منظم و موازی بودن خطوط باقی‌مانده از دست سفال‌گر، برابری ضخامت ظرف در بخش‌های مختلف مقطع افقی آن و ایجاد نقوش و نوارهای منظم افقی یا موج بر بدنه ظرف مشاهده نمود.

نوع شاموت: این بخش بیان‌کننده‌ی نوع شاموت (تمپر یا افزونه‌های به کار رفته در خمیره‌ی سفال) مورد استفاده در ساخت ظرف است که شامل چهار مؤلفه‌ی ۱. کانی ۲. گیاهی ۳. خرده سفال ۴. ترکیبی، باشد.

رنگ خمیره: این متغیر دربردارنده رنگ خمیره سفال است. جهت تشخیص و تفکیک راحت‌تر این متغیر از رنگ‌های مشخصی نظیر: قرمز، قرمز آجری، قهوه‌ای، قهوه‌ای روشن، خاکستری، خاکستری تیره و نخودی استفاده شده است.

پوشش و رنگ: هرگونه فعالیتی غیر از تزئینات و نقوش به‌کاررفته در ساخت سفال که به پرداخت هرچه بیشتر محصول نهایی کمک می‌نماید در این بخش قرار می‌گیرد. مراد از پوشش

در این بخش دوغاب گلین است که بر بدنه سفال کشیده می‌شود تا منافذ سطح سفال را پیوشاند. این پوشش دارای تنوع رنگی است که می‌تواند با رنگ خمیره یکسان یا متفاوت باشد.

میزان پخت: دمای کوره و مدت‌زمان پخت سفال عوامل اصلی در تعیین کیفیت پخت سفال محسوب می‌شوند. اما با توجه به عدم امکان اندازه‌گیری این دو مؤلفه بدون انجام مطالعات آزمایشگاهی دقیق؛ در این فقره با اتکا به تفاوت رنگی موجود مابین مغز و پیرامون خمیره سفال که نتیجه مستقیم کیفیت پخت سفال است، به استفاده از دو اصطلاح کافی و ناکافی در توصیف این متغیر اکتفا می‌گردد.

نقش‌مایه: این بخش به توصیف موضوعی نقوش به کار رفته در تزئین نمونه‌ها می‌پردازد. هر چند دسته‌بندی موضوعی نقوش سفال‌های باستانی نیازمند ایجاد زمینه‌ی مطالعاتی گسترده‌ای در طبقه‌بندی و گونه‌شناسی نقوش مذکور است؛ با این حال در این خصوص به استفاده از عناوینی کلی نظیر: هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی و ترکیبی بسنده می‌گردد.

نوع نقش: این متغیر به تشریح تکنیک به کار رفته در ایجاد نقوش تزئینی نمونه‌های مورد مطالعه می‌پردازد. گزینه‌های مورد وثوق در خصوص این متغیر شامل کنده، افزوده، نقاشی و ترکیبی است.

جایگاه نقش: در این بخش به شکلی مختصر و عبارت‌وار به تشریح جایگاه قرارگیری نقوش بر بدنه‌ی سفال پرداخته می‌شود.

کیفیت ساخت: این مؤلفه با استفاده از سه اصطلاح خوب، متوسط و ضعیف، به تشریح کیفیت کلی ساخت نمونه‌ی مورد مطالعه می‌پردازد.

۱-۲-۲- راهنمای کاتالوگ سفال‌ها

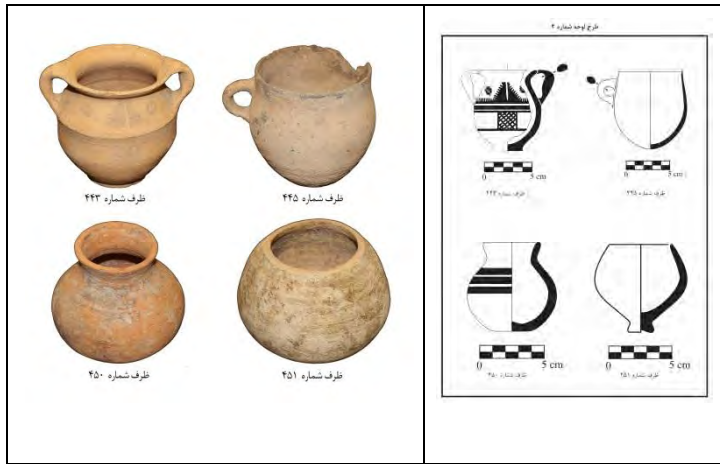
شماره‌ی نمونه: ۱- فرم نمونه، ۲- تکنیک ساخت، ۳- نوع شاموت، ۴- رنگ خمیره، ۵- پوشش و رنگ، ۶- میزان پخت، ۷- نقش‌مایه، ۸- نوع نقش، ۹- جایگاه نقش، ۱۰- کیفیت ساخت.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



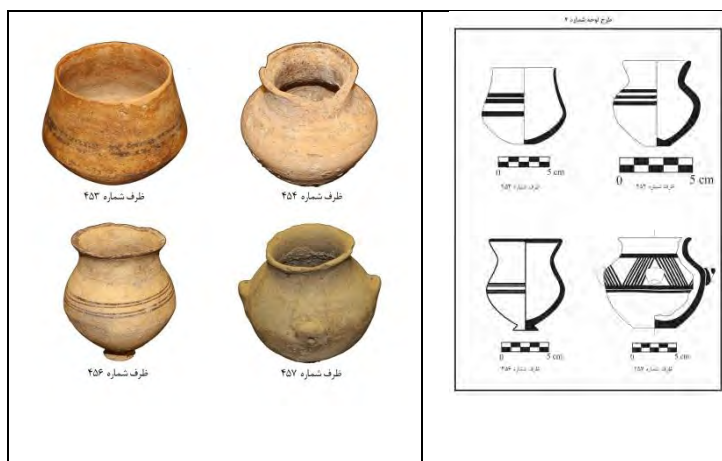
توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۳:

۴۴۳: ۱-خمره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای، ۵-، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی، ۱۰-خوب.

۴۴۵: ۱-ساغر، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-خاکستری، ۵-، ۶-کافی، ۷-، ۸-، ۹-، ۱۰-خوب.

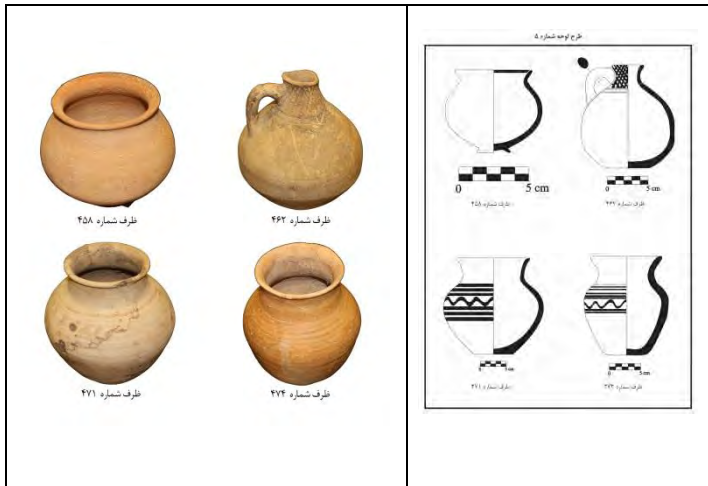
۴۵۰: ۱-خمره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای، ۵-، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی، ۱۰-متوسط.

۴۵۱: ۱-ساغر، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-نخودی، ۵-، ۶-کافی، ۷-، ۸-، ۹-، ۱۰-متوسط.



توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۴:

- ۴۵۳: ۱- ساغر، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- نخودی، ۵- قهوه‌ای، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- خوب.
- ۴۵۴: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- نخودی، ۵- ، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- متوسط.
- ۴۵۶: ۱- ساغر، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- نخودی، ۵- قهوه‌ای روشن، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی و لبه، ۱۰- متوسط.
- ۴۵۷: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای متمایل به سبز، ۵- ، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- خوب.



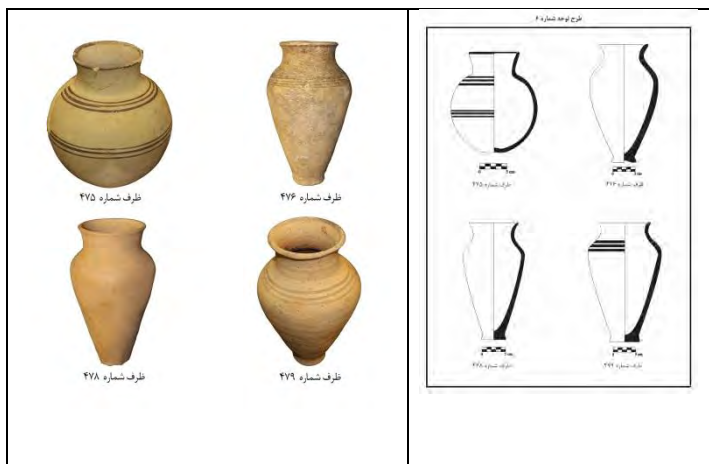
توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۵:

۴۵۸: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای، ۵-قهوه‌ای تیره، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بخش داخلی لبه، ۱۰-خوب.

۴۶۲: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای، ۵-قهوه‌ای تیره، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی و نقش کنده، ۹-گردن تا زیر لبه، ۱۰-متوسط.

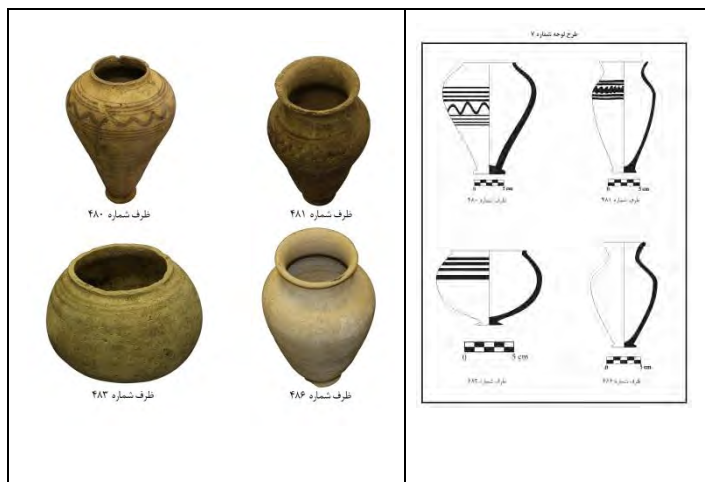
۴۷۱: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای روشن، ۵-قهوه‌ای روشن، ۶-ناکافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی، ۱۰-متوسط.

۴۷۴: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای روشن، ۵-قرمز آجری، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی، ۱۰-خوب.



توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۶:

- ۴۷۵: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای روشن ۵- نخودی متمایل به سبز، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی و لبه، ۱۰- خوب.
- ۴۷۶: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای روشن، ۵- قهوه‌ای، ۶- کافی ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه خارجی، ۱۰- متوسط.
- ۴۷۸: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای روشن، ۵- قهوه‌ای، ۶- کافی، ۷-، ۸-، ۹-، ۱۰- خوب.
- ۴۷۹: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای روشن ۵- قهوه‌ای روشن، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- متوسط.



توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۷:

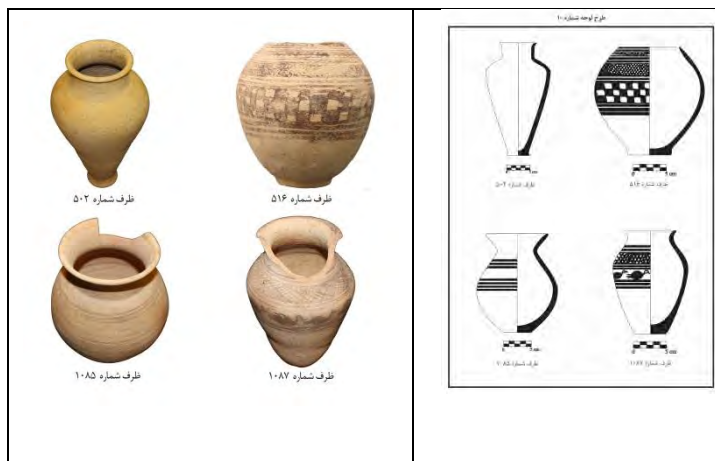
- ۴۸۰: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-کانی، ۴-قهوه‌ای روشن، ۵-، ۶-کافی ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه خارجی، ۱۰-متوسط.
- ۴۸۱: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-ترکیبی، ۴-قهوه‌ای، ۵-، ۶-ناکافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه خارجی، ۱۰-متوسط.
- ۴۸۳: ۱-ساغر، ۲-چرخ‌ساز، ۳-ترکیبی، ۴-نخودی متمایل به سبز، ۵-، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه خارجی، ۱۰-متوسط.
- ۴۸۶: ۱-خمیره، ۲-چرخ‌ساز، ۳-ترکیبی، ۴-نخودی ۵-، ۶-کافی، ۷-، ۸-، ۹-، ۱۰-خوب.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۱۰:

۵۰۲: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- نخودی، ۵-، ۶- کافی، ۷-، ۸-، ۹-، ۱۰- متوسط.

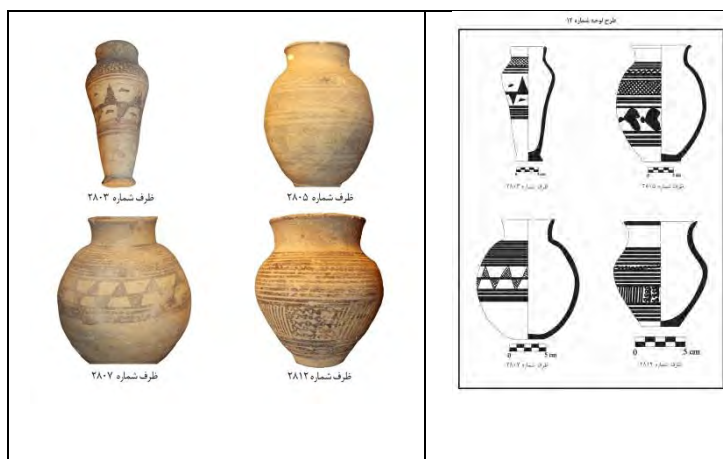
۵۱۶: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴-، ۵-، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه خارجی و لبه، ۱۰- متوسط.

۱۰۸۵: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- نخودی، ۵- نخودی، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- خوب.

۱۰۸۷: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای، ۵-، ۶- کافی، ۷- هندسی و حیوانی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- خوب.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



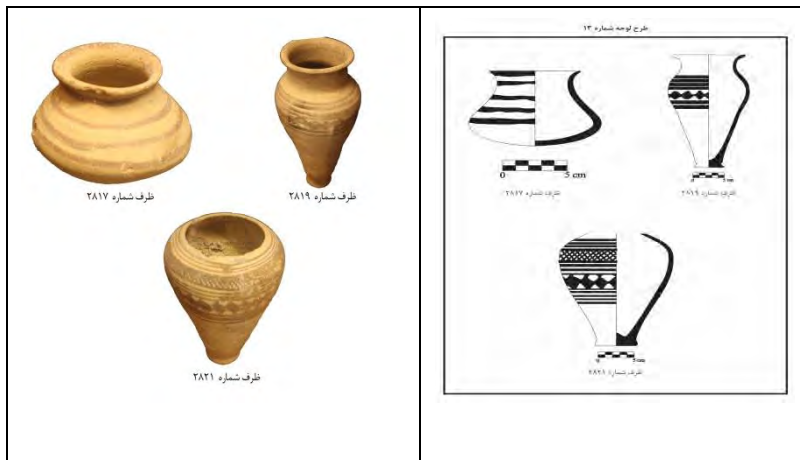
توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۱۲:

۲۸۰۳: ۱-خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴-قهوه‌ای، ۵- قهوه‌ای روشن، ۶-کافی، ۷- هندسی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی، ۱۰-خوب.

۲۸۰۵: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- نخودی، ۵- نخودی، ۶-کافی، ۷-هندسی و حیوانی، ۸- نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی، ۱۰-خوب.

۲۸۰۷: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای، ۵- قهوه‌ای، ۶-کافی، ۷-هندسی، ۸-نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰-خوب.

۲۸۱۲: ۱-خمره، ۲-چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای، ۵- قهوه‌ای، ۶-کافی، ۷-هندسی و حیوانی، ۸-نقاشی، ۹-بدنه‌ی خارجی و لبه، ۱۰-خوب.



توصیف سفال‌های لوحه‌ی شماره‌ی ۱۳:

- ۲۸۱۷: ۱- ساغر، ۲- ، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای روشن، ۵- قهوه‌ای روشن، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- متوسط.
- ۲۸۱۹: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای، ۵- قهوه‌ای، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- خوب.
- ۲۸۲۱: ۱- خمره، ۲- چرخ‌ساز، ۳- کانی، ۴- قهوه‌ای روشن، ۵- قهوه‌ای روشن، ۶- کافی، ۷- هندسی، ۸- نقاشی، ۹- بدنه‌ی خارجی، ۱۰- خوب.

۲- مقایسه‌ی تطبیقی نمونه‌های مورد مطالعه

مقایسه تطبیقی، فرآیند قیاس بر پایه‌ی یک یا چند متغیر مشخص را جهت تعیین میزان همانندی یا تمایز مابین سوژه‌ی قیاس و موارد تعیین‌شده جهت قیاس، در برمی‌گیرد. این فرآیند می‌تواند برای هر متغیر به شکل مجزا یا به صورت امتزاجی از مقایسه تمامی متغیرهای تعیین‌شده صورت پذیرد. استفاده از داده‌ها و نمونه‌های به دست آمده از کاوش‌های علمی و بررسی‌های روشمند که دارای گاه‌نگاری نسبی یا مطلق هستند به عنوان پایه‌ی قیاس، بر غنای

علمی کار افزوده و در تعیین هرچه دقیق‌تر گاه و زمان نمونه‌های مورد مقایسه تأثیر بسزایی دارد.

۲-۱- هدف از انجام مقایسه تطبیقی

مقایسه تطبیقی نمونه‌های مورد مطالعه با دو هدف کلی انجام می‌پذیرد که عبارت‌اند از: ۱- ارائه گاه نگاری نسبی نمونه‌های مورد مطالعه ۲- سنجش و برآورد هویتی نمونه‌های مورد مطالعه جهت دستیابی به اهداف مورد نظر. در این بخش تک‌تک نمونه‌ها بر اساس متغیرهای تعریف‌شده، با محوطه‌های و نمونه‌های دارای هویت و مستند مقایسه می‌شوند.

۲-۲- متغیرهای معیار در مقایسه

کلیه نمونه‌ها در فرآیند پیش‌رو بر اساس دو متغیر کلی فرم و نقش مورد مطالعه و مقایسه قرار می‌گیرند. این دو متغیر که مهم‌ترین ویژگی مجموعه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند در بخش پیشین به تفصیل توضیح داده شده و معرفی گردیدند. متغیر فرم سه دسته شاخص خمره‌ها، ساغر‌ها و کاسه‌ها را در این مجموعه شامل شده و متغیر نقش دو دسته کلی نقوش هندسی و ترکیبی از نقوش هندسی و مشبک حیوانی را در بر می‌گیرد. لازم به توضیح است که در مقایسه‌های انجام شده ترکیب و کیفیت فرم و نقوش مورد توجه قرار خواهد گرفت و نزدیک‌ترین فرم‌ها به نمونه‌ی مورد قیاس و مشابه‌ترین ترکیب نقش به نقش سفال مورد نظر معرفی خواهند شد.

۲-۳- منابع مورد استفاده در فرآیند قیاس

از مهم‌ترین و شاخص‌ترین منابع منتشر شده در خصوص محوطه‌های عصر مفرغ فارس می‌توان به گزارش کاوش سال ۱۹۵۲ م. و ۵۵-۱۹۵۴ م. تل تیموران توسط برونو اورلت در سال ۱۹۹۷ م. اشاره نمود (اورلت، ۱۹۹۷). این مقاله بعدها در سال ۱۳۸۱ ه. ش. توسط لیلا پاپلی و عمران گاراژان به فارسی ترجمه و در مجله باستان‌شناسی و تاریخ دانشگاه تهران منتشر گردید (اورلت، ۱۳۹۱). گزارشی کوتاه از نتایج کاوش تل ملیان فارس در سال ۷۲-۱۹۷۱ م. توسط

ویلیام سامنر در سال ۱۹۷۴ م. با همین عنوان منتشر گردید (سامنر، ۱۹۷۴). وی در ادامه‌ی فرآیند کاوش در این محوطه فصل جدیدی را در سال ۱۹۴۷ م. به انجام رساند که نتایج آن را در مقاله‌ای با همین عنوان در سال ۱۹۷۶ م. منتشر نمود (سامنر، ۱۹۷۶). پس از آن سامنر با همکاری نائومی میلر در سال ۲۰۰۴ م. به بررسی شواهد مربوط به دوره‌های فرهنگی دوره‌های بانس و کفتری، به دست آمده از محوطه تل ملیان پرداخت و نتایج مطالعات خویش را منتشر نمود (میلر و سامنر، ۲۰۰۴). کار سامنر در این محوطه با کاوش‌های کامیاب عبدی در سال ۱۹۹۹ م. ادامه یافت که گزارشی کوتاه از آن در سال ۲۰۰۱ م. منتشر گردید (ابدی، ۲۰۰۱).

کلر گاف نتایج کاوش‌های خود در محوطه تل نخودی را که در سال ۱۹۶۲ م. به انجام رسید در دو مقاله مجزا با همین عنوان در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ م. منتشر نمود (گوف، ۱۹۶۴؛ گوف، ۱۹۶۳). میکروشیجی نتیجه مطالعات خویش در مورد داده‌های باستان‌شناختی محوطه‌ی ژالیان (جالیان) در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ م. منتشر نمود (میکروشیجی، ۱۹۷۲؛ میکروشیجی، ۱۹۷۴).

۳- محوطه‌های مورد استناد در فرآیند قیاس

۳-۱- تل نخودی

تل نخودی تپه‌ی کوچکی است که ۱۲۰ متر طول و حدود ۸۰ متر عرض دارد و بلندترین نقطه‌ی آن ۲ متر از سطح زمین‌های اطراف بالاتر قرار دارد. این تپه در حدود ۸۰۰ متری شمال غربی مقبره‌ی کوروش هخامنشی در پاسارگاد فارس در کنار یکی از نه‌های کوچکی که به رودخانه پولوار می‌پیوندد واقع شده است. این تپه در بین دور روستای ابوالوردی و مبارک‌آباد قرار دارد و اطراف این روستاها چندین محل باستانی دیگر نیز شناسایی و بررسی و حتی در تعدادی از آن‌ها گمانه‌زنی نیز انجام شده است. تاریخ آغاز بررسی‌ها و گمانه‌زنی‌های باستان‌شناسی این منطقه به سال‌های ۱۹۳۴ م. که طی آن سال‌ها سر آرل استاین اقدام به

1 - Miler & Sumner

2 - Abdi

3 - Goff

4 - Miroshedji

پژوهش‌های شناسایی منطقه کرده بود برمی‌گردد (آستین^۱، ۱۹۳۶). در سال ۱۳۳۰ ه. ش. شادروان علی سامی با مأموریت از طرف اداره‌ی کل باستان‌شناسی وقت ایران به مدت چند هفته در دو تپه‌ی "تل خاری ابوالوردی" و "تل نخودی" اقدام به حفر گمانه‌هایی آزمایشی کرد (سامی، ۱۳۳۰؛ سامی ۱۳۳۸).

حفریات پیگیر و منظم در تل نخودی به سرپرستی خانم "کلر گاف"^۲ از دسامبر ۱۹۶۱ م. آغاز، و در سال بعد به مدت یک ماه ادامه پیدا کرد (گاف، ۱۹۶۳؛ گاف، ۱۹۶۴).

۳-۲- تپه ژالیان

تپه ژالیان که یک محوطه قبرستانی و غیر استقراری است در ۱۵۰ کیلومتری جنوب‌شرق شیراز و در حومه‌ی شهرستان فسا واقع شده است. ژالیان را اولین بار "فریدون توللی" حفاری و معرفی کرد است. در سال‌های بعد از معرفی اولیه این محوطه سفال‌های آن را "میروشیجی" باستان‌شناس فرانسوی مورد مطالعه قرار داد (میروشیجی، ۱۹۷۲؛ میروشیجی، ۱۹۷۴). در مجموعه‌ی سفال‌های کشف‌شده از قبرستان ژالیان دو نوع سفال منقوش تک‌رنگ و منقوش چندرنگ شناسایی شده است که ظاهراً سفال‌های چندرنگ قدیمی‌تر از سفال‌های منقوش تک‌رنگ است. میروشیجی سفال‌های ژالیان را همزمان با دوره‌ی کفتری قلمداد کرده و آن‌ها را به نیمه دوم هزاره‌ی سوم قبل از میلاد تاریخ‌گذاری کرده است (میروشیجی، ۱۹۷۴).

۳-۳- تل تیموران

تل تیموران در بلوک تواب در جنوب شرقی مرودشت یا دشت تخت جمشید در انتهای جنوبی رشته‌کوه رحمت واقع شده است. این محوطه باستانی در گزارش‌های یاکوبس و سامنر در نقشه‌ی nr. 403, 11N5 نامیده شده است. واندنبرگ آن را تپه‌ای کم و بیش مستطیل شکل به طول تقریبی ۲۰۰ و عرض ۱۵۰ متر و به ارتفاع ۶ متر بلندتر از دشت توصیف کرده است. به‌هرروی یاکوبس مساحت آن را حدود ۸ هکتار و بلندی آن را از سطح دشت ۸ متر ذکر کرده است. این محوطه نخستین بار در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۳ ه. ش. توسط "لوئی واندنبرگ" مورد

1 - Stein

2 - Clare Goff

کاوش قرار گرفت (واندنبرگ^۱، ۱۹۵۴). پس از واندنبرگ "ویلیام سامنر" در سال ۱۳۵۰ ه. ش. در جریان بررسی حوزه‌ی رو کر مجدداً از این محوطه بازدید نموده و اقدام حفر گمانه نمود (سامنر، ۱۹۷۳). نتیجه مطالعات و کشفیات این دو پژوهشگر در سال ۱۹۹۷ م. توسط برونو اورلت مورد بازبینی قرار گرفت (اورلت، ۱۹۹۷). محوطه تل تیموران معرف فرهنگ دوره مفرغ متأخر موسوم به فرهنگ قلعه-شقا (اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق. م.) بوده (واندنبرگ، ۱۹۵۴) و شامل چهار دوره‌ی فرهنگی است که به ترتیب از قدیم به جدید عبارت‌اند از: فرهنگ تیموران ب، فرهنگ تیموران الف، فرهنگ شقا و فرهنگ قلعه (اورلت، ۱۹۹۷).

۳-۴- تل ملیان

تپه ملیان در ۵۰ کیلومتری شمال شیراز و ۴۸ کیلومتری شمال غرب و غرب تخت‌جمشید در دشت مرودشت قرار دارد. این شهر قدیمی در شمال غربی و در انتهای دره‌ی رودخانه‌ی "کر" در دشت بیضا واقع گردیده و توسط کوه‌های اطراف محاصره شده است (سامنر، ۱۹۸۸: ۳۰۶). این مکان باستانی با ۲۰۰ هکتار وسعت توسط دیوار احاطه گردیده و مکان‌های مورد سکونت در آن حدود ۱۳۰ هکتار است (همان، ۱۹۸۵: ۱۵۳). به دنبال بررسی اولیه که در ۱۹۶۱ م. توسط گروه باستان‌شناسی فارس در ملیان انجام شد، دانشگاه پنسیلوانیا نیز پنج فصل کاوش در آن تپه را در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ م. انجام داد (سامنر، ۱۹۷۴: ۱۵۵-۱۸۰؛ همان، ۱۹۷۶: ۱۰۳-۱۱۶؛ همان ۱۹۷۷: ۱۷۷-۱۹۹). در مدت کاوش‌های اولیه که جمعاً ۳۴۰ روز به طول انجامید (سامنر، ۱۹۸۸: ۳۰۷) حدود ۳۳۰۰ مترمربع خاک‌برداری و کاوش گردید. در این حفاری‌ها، علاوه بر شناسایی چند فاز از مراحل سکونت و ساختمان‌های قدیمی و دیوار شهر ملیان (انسان قدیم) و سفال‌ها، مقدار زیادی اشیاء فلزی و تعدادی متن‌های نوشتاری و کتیبه‌های گلی یافت گردید (استولپر^۲، ۱۹۷۶: ۸۹-۹۷؛ همان، ۱۹۸۴) که بیانگر وجود سکونت در این مکان می‌باشد که همزمان با دوره‌ی جری آغاز گردیده است. در ادامه این مطالعات و بررسی‌ها، فصل دیگری از کاوش و شناسایی در اکتبر ۲۰۰۴ به مدت شش هفته توسط تیمی از کالج دارتموث امریکا و به سرپرستی جان آلدن و کامیار عبدی و با همکاری میراث فرهنگی ایران صورت گرفت که

1 - VandenBerghe

2 - Stolper

تعدادی اشیای ارزشمند نظیر آجرهای کتیبه‌دار و ظروف سفالین دسته‌دار بدست آمد. با مطالعه این اشیاء می‌توان آن‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد و دو دوره را در آن‌ها تشخیص داد: یک گروه از آن‌ها که متعلق به دوره‌ی بانس (Banish) (در حدود ۲۸۰۰ - ۳۴۰۰ ق. م. می‌باشد و گروه دیگر مربوط به دوره کفتری (۱۶۰۰ - ۲۲۰۰ ق. م.) است.

شماره شناسه	فرم نمونه	اساس قیاس		قابل مقایسه		مأخذ
		فرم	نقش	محوطه	دوره فرهنگی	
۴۳۰	خمره	*	*	تل تیموران	قلعه - شقا	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۶
۴۳۱	خمره	*	*	تل تیموران	قلعه - شقا	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۶
۴۳۳	آبریز	*	-	تل تیموران	کفتری	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۷
۴۳۵	خمره	*	-	تل تیموران	قلعه - شقا	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۶
۴۳۶	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۷
۴۳۷	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۳۸	قدح	*	-	تل نخودی	کفتری	گاف، ۱۹۶۴: عکس شماره ۶
۴۳۹	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۱: عکس شماره ۶
۴۴۳	خمره	*	*	تل نخودی	بانس	گاف، ۱۹۶۴: عکس شماره ۱۲
۴۴۵	قدح	*	-	تل نخودی	بانس	گاف، ۱۹۶۴: عکس شماره ۶
۴۵۰	خمره	*	*	تل تیموران	کفتری	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۷ و ۱۸
۴۵۱	قدح	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۷
۴۵۳	قدح	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۵
۴۵۴	خمره	*	*	تپه زالیان	کفتری	میروشیچی، ۱۹۷۴: عکس شماره ۱۱
۴۵۶	قدح	*	*	تل تیموران	کفتری	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۷
۴۵۷	خمره	*	*	تپه زالیان	کفتری	میروشیچی، ۱۹۷۴: عکس شماره ۸ و ۱۰
۴۵۸	خمره	*	-	تل ملیان	بانس	میلر و سامنر، ۲۰۰۴: عکس شماره ۳ و ابدی، ۲۰۰۱: عکس شماره ۲۲

شماره شناسه	فرم نمونه	اساس قیاس		قابل مقایسه		مأخذ
		فرم	نقش	محوطه	دوره فرهنگی	
۴۶۲	خمره	*	*	تل نخودی	بانش	گاف، ۱۹۶۴: عکس شماره ۶ و ۷
۴۷۱	خمره	-	*	تل ملیان	کفتری	میلر و سامنر، ۲۰۰۴: عکس شماره ۶ و ۷
۴۷۴	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	میلر و سامنر، ۲۰۰۴: عکس شماره ۶ و ۷
۴۷۵	خمره	*	*	تل تیموران	کفتری	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۳ و ۱۹
۴۷۶	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۷۸	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۷۹	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۸۰	خمره	*	*	تل ملیان	بانش	ابدی، ۲۰۰۱: عکس شماره ۲۲
۴۸۱	خمره	*	*	تل ملیان	بانش	ابدی، ۲۰۰۱: عکس شماره ۲۲
۴۸۳	قدح	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۹
۴۸۶	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۸۷	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	ابدی، ۲۰۰۱: عکس شماره ۲۲
۴۸۸	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۸۹	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۹۰	خمره	*	*	تل ملیان	بانش	ابدی، ۲۰۰۱: عکس شماره ۲۲
۴۹۳	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۹۴	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۹۶	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۴۹۸	خمره	*	-	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۵۰۲	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۵۱۶	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۱۰۸۵	خمره	*	*	تل تیموران	کفتری	اورلت، ۱۹۹۷: عکس شماره ۱۷ و ۱۸

شماره شناسه	فرم نمونه	اساس قیاس		قابل مقایسه		مأخذ
		فرم	نقش	محوطه	دوره فرهنگی	
۱۰۸۷	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۱۰۸۸	قدح	*	*	تل ملیان	بانث	میلر و سامنر، ۲۰۰۴: عکس شماره ۴
۱۰۸۹	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶ و ۷
۱۰۹۰	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۱۰۹۱	خمره	*	*	تل ملیان	بانث	ابدی، ۲۰۰۱: عکس شماره ۲۲
۲۸۰۳	خمره	*	*	تل نخودی	بانث	گاف، ۱۹۶۴: عکس شماره ۷
۲۸۰۵	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۷
۲۸۰۷	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۷
۲۸۱۲	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۷
۲۸۱۷	خمره	*	*	تل ملیان	بانث	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۵ و میلر و سامنر، ۲۰۰۴: عکس شماره ۳
۲۸۱۹	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶
۲۸۲۱	خمره	*	*	تل ملیان	کفتری	سامنر، ۱۹۷۴: عکس شماره ۶

۴- جمع‌بندی نتایج مقایسه‌ی تطبیقی نمونه‌ها

نتیجه‌ی حاصل از مقایسه‌ی تک‌تک نمونه‌ها با نمونه‌های شاخص دوره‌های فرهنگی عصر مفرغ در حوزه‌ی فارس، بر اساس منابع معرفی‌شده، می‌توان چنین نمونه‌های مورد مطالعه را در سه دوره‌ی فرهنگی بانث، کفتری و قلعه - شقا دسته‌بندی کرد. از مجموع ۵۱ نمونه‌ی متعلق به دوره‌ی مفرغ شامل ۴۳ عدد خمره در فرم‌های متنوع، ۷ عدد قدح و یک عدد آبریز، ۱۱ نمونه متعلق به فرهنگ بانث، ۳۷ نمونه مربوط به فرهنگ کفتری و ۳ نمونه متعلق به فرهنگ پایانی عصر مفرغ در حوزه‌ی فارس موسوم به فرهنگ قلعه-شقا تشخیص داده شد.

بر اساس مشاهدات انجام شده در فرآیند قیاس از مجموع ۱۱ نمونه مربوط به فرهنگ بانس، ۴ نمونه دارای بیشترین مشابهت با نمونه‌های معرفی‌شده از این فرهنگ در محوطه‌ی تل نخودی و ۷ نمونه قابل قیاس با داده‌های به دست آمده از تل ملیان هستند. از ۳۷ نمونه متعلق به فرهنگ کفتری، ۵ نمونه به محوطه تل تیموران، ۳۰ نمونه به محوطه تل ملیان و ۲ مورد به محوطه تپه ژالیان نسبت داده شد. ۳ نمونه‌ی مربوط به فرهنگ قلعه - شقا نیز قابل مقایسه با سفالینه‌های به دست آمده از این فرهنگ در محوطه تل تیموران هستند.

تحلیل و نتیجه‌گیری

حوزه‌ی جغرافیای فرهنگی فارس با وسعتی در حدود ۱۲۱۱۲۰۱۸ کیلومتر مربع، ۷/۵ درصد کل مساحت فلات ایران را به خود اختصاص می‌دهد. این منطقه (جنوب غرب زاگرس) به دلیل بهره‌مندی از شرایط مناسب زیست‌محیطی از جمله آب‌وهوای مناسب، خاک حاصلخیز و شبکه‌ی آب‌های روان، از دوران نوسنگی تا دوران‌های تاریخی همیشه مورد توجه جوامع انسانی بوده است. پتانسیل‌های طبیعی و الگوهای آب و هوایی در ترکیب با توانمندی جوامع بشری در بهره‌برداری از محیط سبب بروز و پیدایش سنت‌های معیشتی ویژه‌ای در این حوزه‌ی جغرافیای گردیده است. بر اساس بررسی‌ها و حفاری‌های باستان‌شناسی، قدیمی‌ترین نشانه‌های جوامع انسانی در این منطقه به هزاره‌ی ششم ق. م. (نوسنگی) برمی‌گردد که عمدتاً از حفاری تل موشکی در سال ۱۹۵۰ مشخص شده است. دوره‌ی بعدی توسعه‌ی فرهنگی در منطقه دوره مس - سنگی است که با کاوش محوطه‌هایی مثل تل جری و تل باکون شناسایی شده است. دوران مفرغ (حدود ۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق. م.) در منطقه بر اساس یافته‌های تپه ژالیان، تل ملیان، تل نخودی، تل قلعه، تل شقا و تل تیموران مشخص شده است. مجموعه‌های سفالی از این حفاری‌ها، عمده‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. بنابراین تمام تحلیل‌های این دوران بر گونه‌شناسی سفال مبتنی است.

مجموعه‌ی فرهنگی عصر مفرغ در حوزه فارس به طور کلی شامل سه دوره‌ی فرهنگی بانس، کفتری و قلعه - شقا می‌شود. دوره‌ی فرهنگی بانس که پیش‌تر بر اساس یافته‌های سطحی شناخته شده بود، بر اساس کاوش‌های تل ملیان کاملاً مشخص گردید. یافته‌های این

دوره در سه فاز قدیم، میانی و جدید مطالعه شده است. فازهای میانی و جدید دربرگیرنده‌ی تاریخ بین سده‌های پایانی هزاره‌ی چهارم و اوایل هزاره‌ی سوم ق. م. است. در مورد انتقال از دوره‌ی بانس به دوره بعد یعنی کفتری مطالعات کافی صورت نگرفته اما به نظر می‌رسد بین دوره‌ی بانس و کفتری یک دوره فترت وجود داشته باشد. دوره‌ی معروف به کفتری بخشی از دوران مفرغ جنوب غرب زاگرس را آشکار می‌سازد. این دوره بر اساس نمونه‌های تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ به طور میانگین تاریخی مابین ۲۱۲۰ - ۱۸۸۰ ق. م. را شامل می‌گردد. اگرچه علت نام‌گذاری دوره‌ی کفتری دقیقاً مشخص نشده اما عمده اطلاعات ما از این دوره بر اساس یافته‌های تل ملیان و تل نخودی است. مدارک و شواهد باستان‌شناختی در حوزه فارس بعد از دوره‌ی کفتری پراکنده و ناهمگون است. فرهنگ‌های اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره‌ی دوم قبل از میلاد (دوران مفرغ متأخر) فرهنگ قلعه - شقا نامیده می‌شود. مجموعه سفال‌های این فرهنگ از محوطه‌های تل شقا، تل تیموران، تل قلعه گزارش شده‌اند. در برآیند پژوهش حاضر که با محوریت شناسایی و تعیین هویت مجموعه سفال‌های مربوط به عصر مفرغ حوزه‌ی فارس، موجود در گنجینه موزه‌ی آستان مقدس حضرت احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) شکل گرفته است از مجموع سفالینه‌های موجود در مجموعه نهایتاً بر پایه ویژگی‌های کلی این گونه‌ها، ۵۱ مورد مربوط به عصر مفرغ فارس شناسایی گردید. از مجموع ۵۱ نمونه‌ی شناسایی‌شده بر اساس تعاریف ارائه شده از انواع فرم‌های قابل‌شناسایی در این مجموعه، ۴۳ عدد خمره در فرم‌های متنوع، ۷ عدد قح و یک عدد آبریز دسته‌بندی گردید. بر اساس نتایج حاصل از فرآیند قیاس تطبیقی با نمونه‌های معرفی‌شده، ۱۱ نمونه متعلق به فرهنگ بانس، ۳۷ نمونه مربوط به فرهنگ کفتری و ۳ نمونه متعلق به فرهنگ پایانی عصر مفرغ در حوزه‌ی فارس موسوم به فرهنگ قلعه-شقا تشخیص داده شد.

در تکمیل فرآیند قیاس و بر پایه‌ی دو معیار نقش و فرم می‌توان از مجموع ۱۱ نمونه‌ی مربوط به فرهنگ بانس، ۴ نمونه دارای بیشترین مشابهت با نمونه‌های معرفی‌شده از این فرهنگ در محوطه‌ی تل نخودی و ۷ نمونه قابل قیاس با داده‌های به دست آمده از تل ملیان هستند. از ۳۷ نمونه متعلق به فرهنگ کفتری، ۵ نمونه به محوطه تل تیموران، ۳۰ نمونه به محوطه تل ملیان و ۲ مورد به محوطه‌ی تپه ژالیان نسبت داده شد. ۳ نمونه‌ی مربوط به فرهنگ

قلعه - شقا نیز قابل مقایسه با سفالینه‌های به دست آمده از این فرهنگ در محوطه تل تیموران هستند. عمده‌ی نقوش سفالینه‌های منسوب به دوره‌ی بانس در این مجموعه را نقوش هندسی محصور در میان خطوط افقی تشکیل می‌دهند که معمولاً بر بدنه خارجی ظروف و بیشتر بر نیمه فوقانی آن جای دارند. این نقوش که بیشتر در قالب نقوش هندسی زاویه‌دار به صورت پوزیتیو یا مفرش به خطوط متقاطع هستند، معمولاً با رنگ‌های تیره نقش می‌شوند. نمونه‌های موجود از این فرهنگ در مجموعه‌ی مورد مطالعه صرفاً گونه‌های متفاوت خمره است.

نقوش شاخص فرهنگ کفتری در مجموعه‌ی مورد مطالعه ترکیبی از نقوش هندسی و نقوش مشبک و استیلیزه‌ی پرندگانی است که همچون نقوش شاخص فرهنگ بانس در میان خطوط موازی افقی نقش گردیده‌اند. در ترسیم نقوش پرندگان عدم رعایت تناسب‌اندام و مبالغه در برخی اجزای پیکر پرنده نظیر چشم از ویژگی‌ها و شناسه‌های سفالینه‌های این فرهنگ است. این نقوش معمولاً به رنگ مشکی یا قهوه‌ای تیره بر بدنه خارجی سفالینه‌ها نقش می‌گردد. عمده‌ی فرم موجود در مجموعه‌ی سفالینه‌ی فرهنگ کفتری مورد مطالعه شامل انواع خمره در اندازه‌های مختلف با گردن کوتاه است و قدهایی که معمولاً دارای تراکم و تنوع نقوش کمتری است. از سه ظرف مجموعه‌ی فرهنگ قلعه - شقا به لحاظ فرم خمره‌های کوتاه و فربه‌ای است که بر پایه‌ی کوتاهی استوار شده و با گردن کوتاهی به لبه متصل است. این ظروف با خطوط موازی افقی در نیمه بالایی ظرف و زیر گردن تزئین گردیده‌اند.

ریشه و منشأ فرهنگ‌های عصر مفرغ در حوزه‌ی جغرافیایی فارس بومی و محلی بوده است. بنابراین تغییرات ساختاری در دوره گذار از دوره‌های مختلف فرهنگی در این محدوده مشاهده نمی‌شود و این در حالی است که این گونه‌های فرهنگی در روند پیدایش و تکامل خویش تا جایگزینی با فرهنگی نو، کمتر از شاخصه‌های فرهنگی مناطق هم‌جوار بهره برده‌اند. اطلاعات مربوط به دوره‌ی مفرغ از این حوزه‌ی فرهنگی بیشتر از محوطه‌های قبرستانی بدون ارتباط مستقیم با محوطه‌های استقرار است که مبین رونق فرهنگ کوچ‌گری در این محدوده‌ی جغرافیایی در حدود زمانی عصر مفرغ است. قطع به یقین این ساختار معیشتی در گسترش و ارتباط مابین فرهنگ‌های شاخص عصر مفرغ فارس با فرهنگ‌های هم‌دوره در مناطق هم‌جوار نقش بسزایی داشته است. شناخت و مطالعه‌ی این شاکله‌ی ارتباطی مابین حوزه‌ی فارس و

مناطق هم‌جوار نیازمند نگاهی موشکافانه‌تر در مؤلفه‌های فرهنگی به دست آمده از محوطه‌های فرهنگ عصر مفرغ در این مناطق و به ویژه محوطه‌های میانجی جغرافیایی است که حفاصل مابین دو حوزه‌ی جغرافیایی را به هم پیوند می‌دهند. امید است این امکان در آینده نزدیک با تکیه بر شناخت هرچه بیشتر داده‌های موجود از این دوره و حوزه جغرافیایی فراهم گردد.



منابع و مأخذ

- سامی علی. (۱۳۳۸). کاوش‌های ۱۲ ساله بنگاه علمی تخت جمشید و پاسارگاد و تپه‌های پیش از تاریخی مرودشت، جلد چهارم، گزارش‌های باستان‌شناسی، شیراز
- سامی، علی. (۱۳۳۰). کشف آثار ماقبل تاریخ در جلگه پاسارگاد. گزارش‌های باستان‌شناسی.
- Alden, J. R., (1979). *Regional Economic Organization in Banesh Period Iran*, a Ph.D. dissertation at the University of Michigan.,.
- Caldwell, J. R. (1967). *Investigations at Tal-i Iblis*, Illinois State Museum Preliminary Report 9, Illinois, (ed.),.
- Ferrier, R. W. (1989). *The Art of Persia*, New Haven and London, (ed.),.
- Goff, C., (1963). "Excavation at Tall-i Nokhodi", *Iran*, Vol. 1, pp. 41-64.
- Goff, C., (1964). "Excavation at Tall-i Nokhodi", *Iran*, Vol. 2, pp. 41-50.
- Goff, Clear. (1963). *Excavations at Tall-i-Nokhodi*.
- Goff, Clear. (1964). *Excavations at Tall-i- Nokhodi*, 1962.
- Miller, N. F. and Sumner, William M., (2003) "The Banish- Kaftari interface: the view from perations H5, Malyan" *Iran*, Vol. 41, pp. 7-19.
- Miroschedji, P. de., (1973) "Prospections archéologiques dans les vallées de Fasa et de Darrab", in Firuz Bagherzadeh (ed.), *Proceedings of the 1st Annual Symposium of Archaeological Research in Iran in November 1972*, Tehran., pp. 1-7.
- Nicholas, M., (1990) *The Proto-Elamite Settlement at TUV*, W. Sumner (ed.), Malyan Excavation Reports, Philadelphia.

- Stein, Aurel. (1940). *Old Routes Of Western Iran*. London: Macmillan and Co.
- Stein, Sir A., (1936) “**An archaeological tour in the ancient Persis**”, *Iraq*, Vol. 3, pp. 111-227.
- Stolper, M. W., (1984). **Texts from Tall-i Malyan, I: Elamite administrative texts** (1972-1974), Philadelphia.
- Stolper, M. W., (1976) “**Preliminary Report on Texts from Tal-e Malyan** (1971-1974)”, in F. Bagherzadeh (ed.), *Proceedings of the IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, Tehran,, pp. 89-100.
- Sumner, W, (1974). ‘**Excavation at Tall-i Malyan, 1971-1972**’, *Iran*12: 155-180.
- Sumner, W, (1976). ‘**Excavation at Tall-i Malyan (Anshan)**’, 1974-76, *Iran*14: 103-116.
- Sumner, W, (1977). ‘**Tal-e Malyan (Anshan)**’, *Iran* 15: 177-179.
- Sumner, W, (1985). ‘**The Proto-Elamite city wall at Tall-i Malyan**’, *Iran* 23: 153-160.
- Sumner, W, (1988a). ‘**Malian, Tall-e (Anšan)**’, *RIA* 7 (3-4): 306-320.
- Vanden Berghe, L., *l’ Iran ancien*, Leiden, 1959.
- Vanden Berghe, L., (1954), **Archéologische Navorsingen in de omstreken Van Persepolis**”, *Jaarbericht ex oriente Lux* 13: 394- 408
- Zagarell, A, (1982) *The Prehistory of the Northeast Bakhtiyári Mountain, Iran: The Rise of the Highland Way of Life*, Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, Vol. 42, Wiesbaden,.